



تحلیل و بررسی متون صحیفه امام خمینی (ره) در قالب مردم سالاری دینی

زهرا علیخانی^۱

DOR: 20.1001.1.17358671.1399.19.69.1.0

چکیده:

مقاله حاضر با هدف بررسی متون صحیفه امام خمینی (ره) در قالب مردم سالاری دینی تلاش دارد به این سوال که رهبری امام خمینی (ره) در دوره انقلاب اسلامی به چه میزان با رویکرد مردم سالاری دینی تطابق دارد؟ پاسخی درخور ارائه دهد. برای رسیدن به این منظور محقق فرض خود را بر این قرار داده که امام خمینی (ره) با بهره گیری از فضای جامعه سبکی از مردم گرایی را برای پیروزی انقلاب ارائه کرد که با نظرات مردم سالاری دینی تطابق دارد. در این میان نظریه مردم سالاری دینی ایشان بدون صورت نظری و بافت تئوریک بوده و شامل تک گزاره های پراکنده میباشد لذا در این پژوهش سعی شده با تحلیل محتوای کمی و کیفی مجموعه ۲۲ جلد سخنرانی ایشان که به صورت نمونه گیری تصادفی انتخاب شده اند، مقومات صورت نظری برای دیدگاه ایشان را فراهم آورد. برای این کار الگویی از نظام سیاسی را میتوان از اندیشه های سیاسی آنان استخراج کرد که با آنچه شاخص های مردم سالاری دینی است مطابقت دارد.

واژگان کلیدی: مردم سالاری دینی، امام خمینی (ره)، تحلیل محتوای کمی- کیفی، جمهوری اسلامی، مردم.

مقدمه:

باور به جامعیت دین اسلام در تنظیم قواعد زندگی سیاسی باعث شده مسأله نظام سیاسی مطلوب دال مرکزی گفتمان اسلام سیاسی باشد. امام خمینی (ره) از جمله اندیشمندان مهم جریان اسلام سیاسی هستند که مسأله نظام سیاسی مطلوب در کانون توجه ایشان بوده است.

دغدغه اصلی این گفتمان اجرای احکام اسلامی و نقش حکومت در این زمینه است و از این رو بخش زیادی از نوشته‌های اندیشوران گفتمان اسلام سیاسی پرسش از دلیل مشکلات جوامع اسلامی و نقش فقدان نظام سیاسی مطلوب در رفع این مشکلات است. پرسش از دلیل مشکلات جوامع اسلامی، اندیشمندان اسلام سیاسی را به نقش ناکارآمدی حکومت‌های جوامع اسلامی و حذف مردم از فرایندهای سیاسی به سوی نظریه‌هایی سوق داد که ضمن احیای جایگاه دین در تنظیم قواعد زندگی سیاسی، مشارکت عمومی یعنی مهمترین مؤلفه واقعیت دنیای مدرن و الگوی دموکراسی را نیز به رسمیت بشناسد چنین نظم سیاسی در گفتمان اسلام سیاسی با عنوان مردمسالاری دینی معرفی شده است. منظور از مردمسالاری حکومتی است که مردم در آن نقش اصلی را بر عهده دارند (جمشیدی، ۱۳۸۸: ۶۵۱)

این امر به این دلیل است که اصل اهمیت شرکت مردم در سرنوشت خود و جایگاه مردم در حکومت، جای هیچ شک و تردیدی ندارد، شرکت مردم در سرنوشت خود از مهمترین اصول دموکراسی است تا آنجا که عده‌ای دموکراسی را در همین اصل منحصر کرده و آن را به حکومت مردم بحدست مردم و برای مردم تعریف کرده‌اند. (کوهن، ۱۳۷۷: ۲۱)

در این راستا با پیروزی انقلاب اسلامی و جایگزین ساختن جمهوری اسلامی به جای رژیم سلطنتی و استقرار نهادهای مردمی و مدنی در این نظام مقوله مردم سالاری مورد توجه شدید قرار گرفت امام خمینی از یک سو با تأکید بر فقه سنتی که میراث گرانبهای شیعه است و سوی دیگر با الگوگیری از حاکمیت نبوی و علوی تجربه‌ای جدید فراروی جهانیان قرار داد. اما حکومت اسلامی در مسئله مردمسالاری دینی با چالش بسیار مهمی روبرو است؛ زیرا با توجه به اینکه در حکومت اسلامی، حکومت خود را به مکتب اسلام ملتزم میدانند و تمامی مقررات و قوانین آن در چارچوب ضوابط مکتب تنظیم می‌شود و زمامداران نیز با توجه به شرایط تعیین شده از سوی آن مکتب انتخاب می‌شوند، این سؤال خودنمایی می‌کند که مردم در حکومت اسلامی چه نقش و جایگاه و شأنی دارند و چگونه میتوان میان حکومت اسلامی با مردمسالاری و شرکت مردم در سرنوشت خود سازگاری ایجاد کرد؟

از طرفی پیام‌های دینی و سیاسی بخش مهمی از آثار مکتوب امام خمینی هستند که در ۲۲ جلد صحیفه ایشان گردآوری شده است. مصاحبه‌ها، گفتگوها و پیام‌های امام که راهنمای عمل مردم ایران بوده

مورد توجه و تحلیل اندیشمندان بسیاری قرار گرفته است زیرا از رهگذر همین پیام‌ها موج خیزش علیه رژیم پهلوی شکل گرفت. در این راستا الگویی از نظام سیاسی را می‌توان از اندیشه‌های سیاسی آنان استخراج کرد که با آنچه شاخص‌های مردم‌سالاری دینی است مطابقت دارد. شاخص‌های آن شامل: پذیرش مرجعیت دین به عنوان منبع معرفت شناختی، مشارکت سیاسی مردم، قانون محوری و حق مداری، ظلم ستیزی و مخالفت با استبداد و استعمار، همبستگی ملی، کرامت انسان، اراده عمومی، مدیریت همگانی در فعالیت اقتصادی، حق مخالفت، تاکید بر ارزش‌های دینی است.

گرچه درباره صورتبندی نظریه مردم‌سالاری دینی امام خمینی کارهایی صورت گرفته است اما هیچ یک به طور دقیق با توجه به متون کتبی امام و با استفاده از روش تحلیل محتوای کمی-کیفی به این کار مبادرت نکرده‌اند لذا در پژوهش حاضر سعی شده با دلایل متقن برپایه روش تحلیل محتوای دقیق گفته‌های ایشان ابهامات این مساله را روشن سازد. این مهم به عنوان دغدغه محقق مساله این مقاله را شکل داده و تلاش خواهد شد تا شکل‌گیری مردم سالاری دینی را با توجه به تحلیل محتوای مکتوبات امام خمینی (ره) مورد واکاوی قرار دهد. در راستای پاسخ به سوال پژوهش فرضیه خود را اینگونه قرار دادیم که امام خمینی (ره) با تاثیر پذیری از مختصات دینی و بهره‌گیری از فضای جامعه سبکی از مردم گرایی را برای پیروزی انقلاب ارائه کرد که با نظرات مردم سالاری دینی تطابق دارد.

سئوالی که مطرح است اینکه رهبری امام خمینی (ره) در دوره انقلاب اسلامی به چه میزان با رویکرد مردم سالاری دینی تطابق دارد؟

روش تحقیق:

اصولاً هر تحقیق یا کار پژوهشی به دنبال دستیابی و تحقق اهداف معینی است در این راستا اصل اولیه برای رسیدن به هدف روش دستیابی به آن هدف است. در این تحقیق روش پژوهش تلفیقی است به این معنا که در قالب روش توصیفی و هم تحلیل محتوای داده‌های گردآوری شده می‌باشد. همواره از تحلیل محتوا برای سنجش تکامل و تحول رشته‌های علمی استفاده شده است در این روش مباحث سیاسی امام خمینی (ره) به عنوان واحد تحلیل با تقسیم به مقوله‌های گوناگون مورد بررسی قرار می‌گیرد. به این صورت که در مرحله اول ابتدا نمونه‌گیری باز و آزاد از اسناد به صورت هدفمند، سیستماتیک و یا تصادفی انجام می‌گیرد تا داده‌های متناسب با سوالات تحقیق کشف و شناسایی شوند نمونه‌گیری باز در ارتباط با کدگذاری باز انجام می‌شود. هدف کدگذاری باز کشف مفاهیم و مقولات و توسعه مقولات بر حسب خواص و ابعادشان می‌باشد در کدگذاری باز باید داده‌ها و پدیده‌ها در قالب مفاهیم درآیند. یعنی ابتدا داده‌ها از هم مجزا شوند و سپس عبارات بر اساس واحدهای معنایی دسته بندی شوند تا مفاهیم به آنها اضافه شود.

در جدول شماره یک متون ۲۲ جلدی صحیفه امام طبق روش مذکور مورد تحلیل محتوای کیفی قرار گرفته است.

جدول ۱: تجزیه و تحلیل کیفی

واحد تحلیل	کدگذاری	مقوله بندی	تفسیر
من چاره در این می بینم که این دولت مستبد به جرم تخلف از احکام اسلام و تجاوز به قانون اساسی کنار برود؛ و دولتی که پایبند به احکام اسلام و غمخوار ملت ایران باشد بیاید	دولت اسلامی	پذیرش مرجعیت دین به عنوان منبع معرفت شناختی	امام خمینی برای سیاست شانی عبادی- هدایتی قایل می شود و معتقد است همه امور اسلام از معنایی اجتماعی- سیاسی برخوردار است.
مردم محروم این کشور مجبورند موافقت خود را با نظام شاهنشاهی اعلام کنند؛ نظام پوسیده ای که از نظر اسلام مردود و محکوم به فناست؛ نظامی که هر روز ضربه تازه ای بر پیکر اسلام وارد می آورد، و اگر خدای نخواستہ فرصت یابد اساس قرآن را برمی چیند؛ نظامی که هستی ملت را به باد فنا داده و تمام آزادیها را از او سلب کرده است؛ نظامی که طبقات جوان روشنفکر را در زندانها و تبعیدگاهها از هستی ساقط نموده و باز می خواهد با این حزب بازی اجباری، بر قربانی ها و زندانی های خود بیفزاید	ضدیت با استبداد	ظلم ستیزی و مخالفت با استبداد و استعمار	امام حاکمیت خدا را در مقابل حاکمیت طاغوت می داند و مبنای اطاعت مردم از حکومت را ریشه داشتن آن در شریعت می داند لذا حاکمیتی اصلی با قانون خدا و ارزش های الهی است و رای مردم در طول قانون خدا و ارزش های الهی است
قدرت کشاورزی از کشور سلب گردیده، وضع کشاورزان و کارگران روز به روز وخیمتر شده و از صنعتی شدن مستقل و غیر وابسته جز اسمی نیست و نخواهد بود مگر اینکه به خواست خدای قادر این رژیم پوسیده تغییر کند	خودکفایی اقتصادی	مدیریت همگنی در فعالیت اقتصادی	حمایت از خودکفایی و رفع وابستگی اقتصادی به عنوان محافظی برای نظام سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی اسلامی است که باید خودکفا و قدرتمند باشد تا بتواند در دنیای امروزین به حیات خود ادامه دهد

واحد تحلیل	کدگذاری	مقوله بندی	تفسیر
شاه از مشروطه و قانون اساسی دم می زند، در صورتی که خود او در راس مخالفین قانون اساسی و مشروطیت، اساس مشروطه را از بین برده است	حکومت مشروط	قانون محوری و حق مداری	در نظام اسلامی قانون مظهر حق و عدالت است و مأموریت آن استقرار عدالت اجتماعی و تضمین حقوق مردم است. لذا از نظام استبدادی جلوگیری می کند بنابراین تأکید امام بر وجود قانون اساسی احقاق حقوق مردم و ایجاد عدالت اجتماعی است.
ما می خواهیم شما آقاباشید، شما می گوید می خواهیم نوکر باشیم! ما می گوئیم شما باید خودتان کشورخودتان را اداره بکنید، خودتان لشکر خودتان را اداره بکنید، منافع مملکت مال خودتان باشد، ذخایر مملکت برای این بیچاره هایی باشد که در زاغه ها نشسته اند، شماها راضی نمی شوید، راضی نیستید که خودتان هم آدم بشوید! ما می خواهیم شما را آدم کنیم، شما آدم نمی خواهید بشوید	کمال لایق ملت	کرامت انسان	از نظر امام در نظام هستی انسان دارای جایگاه خاصی است و همه امور در جهت کمک به تعالی انسان است. انسان از منظر امام جانشین خدا روی زمین است اما مهم این است که استعدادهایش را طوری به کار گیرد که به صورت بالفعل خلیفه خدا در زمین شود.
اسلام است که نمی گذارد این گردن کلفتها زندگی اشرافی بکنند، یا زندگی آنطوری که دلشان می خواهد بکنند. اسلام تعدیل می کند. اسلام است که نمی گذارد اجانب بر مسلمین حکومت بکنند، اسلام است که جلوی ظلم را می گیرد، جلوی دیکتاتوری را می گیرد. این اسلامی که جلوی دیکتاتوری را می گیرد،	حفظ اسلام	پذیرش مرجعیت دین به عنوان منبع معرفت شنختی	در مردم سالاری دینی مرجعیت دین در تنظیم قواعد زندگی سیاسی به رسمیت شناخته می شود از این رهگذر امام خمینی دیانت را همان سیاست می داند
من در اول فرصتی که پیدا کنم به خواست خدا می روم ایران و اول قدمی که برمی دارم تأسیس می کنم یک دولت اسلامی مبتنی بر احکام اسلام، مبتنی بر رای مردم	رای مردم	تأکید بر رضایت مردم	به اعتقاد امام هیچ کس حق ندارد چیزی را بر مردم تحمیل کند و این اعتقاد را ناشی از باورهای دینی می داند
جوانها! به داد مملکتتان برسید، به داد ارتشتان برسید؛ نگذارید این چهارتا پیرمردی که پول های ما را جمع کردند و فرستادند به خارج، اینها باز بگذارند آن وضع باقی باشد، این وضع را بزنید به هم	بیان اعتراض مردم	پذیرش حق مخلفت	این حق از منظر امام طیف وسیعی از مخالفت با اشخاص، تصمیمات و در مرحله بالاتر نظام سیاسی را شامل می شود و با تکیه بر عقل و آموزه های دینی توجیه می شود

واحد تحلیل	کد گذاری	مقوله بندی	تفسیر
ما صلاح جامعه را می‌خواهیم؛ ما تبع پیغمبرهایی هستیم که آمده اند برای اصلاح جامعه آمده‌اند برای اینکه جامعه را به سعادت برسانند آنهایی که کورند و نمی‌فهمند، آنها را با زور می‌خواهد به سلامت و به سعادت برساند؛ آنها که بینا هستند می‌روند دنبالش. ما به تبع آنها می‌خواهیم این جامعه خودمان را سعادت‌مند کنیم	کمال لایق مردم	کرامت انسان	از آنجایی که خداوند خالق انسان، جهان و منشا همه امور است و به توانایی ها و نیازهای انسان واقف است لذا بر اساس آن برنامه زندگی انسان را تنظیم و تدوین می‌کند. در نظام مردم سالاری دینی تنها خداوند است که عالم به حقایق است که با ارسال پیامبر و انتصاب امام به عنوان الگوهای عملی انسان را در نیل به کمال یاری می‌کند. بنابراین در مردم سالاری دینی بیش از هر چیزی حفظ بنیان‌های اعتقادی مردم جایگاه ارزنده‌ای دارد.
باید در رفتارندم تبلیغ کنید که همه کس همه قشرها، زن و مرد از جوان شانزده ساله تا پیرمرد در این شرکت کنند؛ زن‌ها شرکت کنند. هیچ کس اهمال نکند. این سرنوشت ما در این رفتارندم تحقق پیدا می‌کند؛ یا اسلام ان شاءالله و یا خدای نخواستہ غیر اسلام؛ یا جمهوری اسلام و یا خدای نخواستہ طرح‌های دیگری که شیاطین ممکن است که این طرح‌ها را داشته باشند.	حضور همه اقشار	مشارکت سیاسی مردم	مردم در جامعه اسلامی باید از چنان رشدی برخوردار باشند که زمینه لازم برای حضور عاقلانه و مقتدرانه آنها در همه صحنه‌ها فراهم شود در همین راستا یکی از مصادیق مشارکت فعال مردم در عرصه‌های مختلف آزادی انتخابات و رای آنان می‌باشد
ما باید از این به بعد، این هوشیاری که ملت ما پیدا کرده است، جدیت کنیم که این ادامه پیدا کند. ما صدمه این غفلت‌ها را سیصد سال است که داریم می‌خوریم. پنجاه و چند سال است که پیرمردهای ما - آنهایی که به سن من یا یک قدری هم کمتر هستند - پنجاه و چند سال است که عذاب الیم این طایفه را کشیدند. و شما جوانها هم بیست و چند سال است که دیدید هر چه دیدید و شنیدید هر چه شنیدید	تداوم اعتراض مردم	پذیرش حق مخالفت	از آنجایی که اجرای احکام الهی نیازمند حکومت است و حکومت در سرنوشت مردم تأثیر بسزایی دارد و حق تک مردم است که خودشان برای خودشان تصمیم بگیرند لذا حکومت باید برآمده از اکثریت باشد در غیر این صورت مردم حق مخالفت با حاکم را دارند تا اینکه یک حکومت مردمی روی کار بیاورند.

واحد تحلیل	کد گذاری	مقوله بندی	تفسیر
از عموم ملت عظیم الشان و خصوص دولت مردان می خواهیم که از تجربه تلخی که از اختلاف بعد از اتحاد اول پیروزی که در ماه های اخیر به اوج خود رسید و روزگار را بر همه تاریک و تلخ کرد، عبرت بگیرند، و بر آن باشند که مدتی هم تجربه برادری و اتحاد را به کار برند و با محبت و رحمت همکاری و همفکری را اگر چه با تکلف هم باشد، پیشه خود قرار دهند و به کمک هم برای ساختن کشور بشتابند و نسبت به یکدیگر با عفو و اغماض رفتار نمایند. اگر خدای نخواست از آن بد دیدند، فرصت فراوان است و میدان باز، ولی مطمئن باشند که وعده خداوند متعال بر آن است که اخوت ایمانی و دوستی و محبت با یکدیگر موجب نجات است	حفظ تفاهم	همبستگی ملی	امام خمینی در بحث از افتراق کلمه و جدایی و تفرقه جهت آن را از گناهان کبیره می داند و مسلمانان را مأمور به ایجاد دوستی، برادری، مواصلت و نیکویی به یکدیگر و مودت و اخوت در راه ایجاد اتحاد کلمه و وحدت کلمه می داند زیرا امام با توجه به دیدگاه تاریخی بحث وحدت را بیان می کند و در این راستا معتقدند در صدر اسلام نیز که جامعه ای فاضله تشکیل گردید و پس از آن نیز مسلمانان توانستند قسمت عظیم دنیای آن روز را تحت سلطه خود در آورند، بر اثر همین وحدت کلمه و عقیده بوده است و به تعبیر حضرت امام براساس وجود شمه ای از وحدت و اتحاد مبتنی بر اخوت و برادری بین مسلمانان بوده است. چنین وحدتی حول یک جهان بینی مشترک شکل می گیرد و ایجاب می کند که مسلمانان به عنوان صاحبان این مکتب و جهان بینی، وحدت لازم را در راستای آن داشته باشند
من متواضعانه از ملت عزیز می خواهیم که پشتیبانی خود را از قوای مسلح ادامه داده و کشور عزیز اسلامی را با حمایت بیدریغ خود از آسیب دهر نگاه دارید. و نیز اکیداً تقاضا می کنم که از آوارگان جنگی که با هجوم کفار یعنی عراق عزیزان و خانمان خود را از دست داده اند حمایت برادرانه و خواهرانه خود را ادامه دهید. و نگذارید اینان تلخی آوارگی را احساس نمایند.	حضور همه مردم در صحنه	مشارکت سیاسی مردم	امام با تأکید بر رابطه تنگاتنگ دین و سیاست و لزوم تأثیر مسلمانان بر عرصه سیاست و مشارکت آنان در عرصه های تأثیر گذار، حضور آنان را مهم می داند و به کرات با اشاره به دور شدن بیشتر مردم از صحنه های سیاسی، آن را برای کشور فاجعه بار می داند

واحد تحلیل	کدگذاری	مقوله بندی	تفسیر
اینها می خواهند با گل آلود کردن آب برای اجانب ماهی بگیرند، اینها می خواهند باز چپاولگری ها را اعاده بدهند، اینها می خواهند باز اختناق را بر گردانند.	ضدیت با استبداد	ظلم ستیزی و مخالفت با استبداد و استعمار	از منظر امام خمینی (ره)، نظام سلطنتی پهلوی به علت این که از ابتدای تاسیس، با تکیه بر کودتایی نظامی به قدرت رسیده و قدرت خود را با توسل به قوه زور و اجبار تثبیت کرده بود و در این راه از پشتیبانی و حمایت دولت بیگانه انگلیس برخوردار بود و مردم هیچ نقشی در پیروزی کودتا نداشتند، نه تنها مشروعیت دینی و مردمی نداشت، بلکه فاقد مشروعیت سیاسی نیز بود
این کشور، قانون اسمی اش قانون امام جعفر صادق است و باید تا موقع ظهور امام زمان، این قانون باقی بماند	اسلام خواهی	تاکید بر ارزش های دینی	سنگ بنای مدینه فاضله امام بر اساس حاکمیت قانون اسلام است زیرا قواعد و قوانین چنین مدینه ای در بطن و متن شریعت اسلام به ودیعت نهاده شده است
اگر یک خادم امریکایی، اگر یک آشپز امریکایی، مرجع تقلید شما را در وسط بازار ترور کند، زیر پامنکوب کند، پلیس ایران حق ندارد جلوی او را بگیرد! دادگاه های ایران حق ندارند محاکمه کنند، بازپرسی کنند، باید بروند امریکا! آنجا در امریکا اربابها تکلیف را معین کنند	ضدیت با استعمار	ظلم ستیزی و مخالفت با استبداد و استعمار	به خوبی می دانستند که استبداد شاه و سرکوب مردم به پشتوانه حمایت آمریکا انجام می شود. ایشان بر این باور بودند که آمریکا علاوه بر اینکه رژیم و حکومت پهلوی دوم را بر ملت ایران تحمیل کرده، به حمایت گسترده از شاه و دخالت وسیع در امور ایران دست می زند و سیاست های ضد مردمی شاه را تقویت می کند و در کشتار مخالفین شاه، به مدد رژیم پهلوی آمده است.

واحد تحلیل	کد گذاری	مقوله بندی	تفسیر
نظر به مخالفت این حزب با اسلام و مصالح ملت مسلمان ایران، شرکت در آن بر عموم ملت حرام و کمک به ظلم و استیصال مسلمین است؛ و مخالفت با آن از روشن ترین موارد نهی از منکر است	انتقاد سازنده	پذیرش حق مخالفت	یکی از رویکردهای مهم امام خمینی به بحث تنوع و تکثر سیاسی مسئله وجود اختلاف سلیقه هاست. ایشان در بحث تنوع، اعتقاد به تعداد کثیری از احزاب و گروه های سیاسی دارد. البته آزادی احزاب نیز در چارچوب قانون مفهوم پیدا می کند و برای خود حد و مرزی دارد. انتقاد امام از حزب ساخته دولت هم به این دلیل است که با وجود یک حزب دولتی دیگر جایی برای آزادی بیان و عقیده مردم باقی نمی ماند.
شاه که در آغاز طرح به اصطلاح انقلاب سفید "به دهقانان نوید می داد که در سایه اصلاحات ارضی، غله مورد نیاز کشور در داخل تامین می شود، اکنون به جای خجالت زدگی افتخار می کند که دو میلیون و نیم تن گندم و چهارصد هزارتن برنج در سال جاری وارد کرده است! در صورتی که مطلعین می دانند که یک استان ایران، مثل خراسان، قدرت تهیه گندم برای تمام کشور را داشت و این قدرت را "انقلاب سفید شاه" سلب کرد	خودکفایی اقتصادی	مدیریت همگنی در فعالیت اقتصادی	امام خمینی (ره) از آن جهت با «انقلاب سفید» ادعایی شاه به مبارزه برخاست که خاستگاه آن را آمریکا می دانستند و پس از آن نیز بارها اعلام کردند این انقلاب سفید نه انقلاب شاه است و نه انقلاب ملت، نه به ملت کاری دارد نه به شاه کاری دارد؛ بلکه آن انقلاب آمریکا بود و هدف آمریکا این بود که منافعی که ما داریم، مخازنی که ما داریم، چیزهای زیر زمینی که ما داریم، روی زمینی که ما داریم، بر اینها سلطه پیدا کند.
شما ای طبقه جوان ارتش بپاخیزید و کشور خود را از زیونی و ذلت نجات دهید، ودست غارتگران را کوتاه کنید، و شرف و عزت را برای خود به یادگار بگذارید، و سعادت دو دنیا را بیمه کنید. و وظیفه دانشجویان است که در محیط دانشگاه هر چه بیشتر ارتش را برای یک قیام همگانی تشویق و ترغیب کنند، و آنان را برادر خود بنامند و باصدای بلند از آنان سؤال کنند: آیا جواب گل، گلوله است؟	حضور همه مردم در صحنه	مشارکت سیاسی مردم	اساساً امام به حکومت بر مبنای جمهوری (که همانا از نقش مردم در نظام حکایت می کند) توجه ویژه ای داشتند.

واحد تحلیل	کدگذاری	مقوله بندی	تفسیر
ای ارتش عراق! اطاعت از این مخالف اسلام و قرآن نکنید و به ملت بگرایید و دست امریکا را که از آستین صدام بیرون آمده است قطع کنید و بدانید اطاعت از این سفاک، مخالفت با خدای متعال است و جزای آن عار و نار است.	اسلام خواهی	تاکید بر ارزش های دینی	امام به خوبی دریافته بود که استحکام و موفقیت "دولت بزرگ اسلامی" بستگی تام و تمام به همکاری جدی دولت‌های سرزمینی دارد. از سوی دیگر به این امر نیز اذعان داشت که همکاری و همیاری دولت‌های سرزمینی منوط به اصلاح رژیم‌های سیاسی آنها خواهد بود؛ زیرا تا همبستگی و همیاری فکری و ارزشی در میان دولت‌ها به وجود نیاید، همیاری عملی یا از همان ابتدا و یا در ادامه کار با دشواری‌های جدی روبرو خواهد شد. ضرورت این امر امام را وادار می‌نماید تا اصلاح و تحول دولت‌های ملی را پیش شرط نیل به وحدت سرتاسری قرار داده است.
از خداوند متعال عظمت اسلام و مسلمین و کشور ایران را خواستارم	کمال لایق مردم	کرامت انسان	امام تفسیری از دین ارائه داد که اخلاقی و مبتنی بر کرامت انسانی بود. تفسیری که در آن انسان می‌توانست از آزادی، عدالت اجتماعی و قدرت انتخاب نیز برخوردار باشد
من این اعمال چنگیزی و قرون وسطایی را شدیداً تقبیح می‌کنم و اطمینان دارم که دانشجویان غیور وطنخواه هرگز عقب نشینی نکرده تسلیم نخواهند شد	انتقاد سازنده	پذیرش حق مخلفیت	امام خمینی مبارزه با کفر و شرک و نفاق را که جبهه متحد نظام استکباری دنیا را به وجود می‌آوردند فصلی و مقطعی و محدود و محصور به عصر و زمان خاصی نمی‌دانست که در این صورت هیچ تضمین و پشتوانه‌ای برای تامین صلح جهانی و گسترش آرامش و امنیت و آزادی و عدالت و همزیستی مسالمت‌آمیز بین ملل دنیا وجود نخواهد داشت

واحد تحلیل	کدگذاری	مقوله بندی	تفسیر
بیدار شوید و خفتگان را بیدار کنید	انتقاد سازنده	پذیرش حق مخلفیت	ملت‌ها علاوه بر اینکه باید خود را متحول سازند و عادل شوند، در قدم بعد باید در مقابل ظالم‌ها بایستند و آنها را متحول ساخته، عادل گردانند. وظیفه اجرای عدالت، تنها منحصر به بُعد فردی نمی‌شود، بلکه بعد اجتماعی آن مهم‌تر است و باید تلاش کرد ظالمان را به خط عدالت کشاند
سلام من بر مومنین و مسلمین سراسر کشور که با عدم شرکت در حزب تحمیلی و انتخابات غیرقانونی مشقت محکم بر دهان یاره سربازان زدند و وفاداری خود را به اسلام و مسلمین ثابت کردند.	نقش مردم در شکل دهی اقتدار جمعی	اراده عمومی	بی‌تفاوتی و احساس عدم مسئولیت هر فرد در جامعه و دنیاطلبی مسئولین علت اصلی بروز آفت‌های اساسی و مهم در اندیشه دولت و حکومت اسلامی از دیدگاه حضرت امام بود
وقتی ملتی توجه به خدا پیدا کردند و دیدند که راه راهی است که باید به طور شایسته اقدام در آن بکنند، و سر تا سر کشور - همه جا صدای الله اکبر بلند شد، خدای تبارک و تعالی با آنها همراهی کرد و دشمن‌هایی که نه فقط قدرتهای داخلی بود، قدرتهای خارجی هم، به هم شکست و همه انصراف پیدا کردند از اینکه مقابله کنند، و در دل همه رعب پیدا شد. این کاری بود خدایی و از دست هیچ بشری این کار قابل انجام نبود. پس پیروزی ما پیروزی ای است که به برکت اسلام، و به برکت گرایش به قرآن پیدا شد.	دولت اسلامی	پذیرش مرجعیت دین به عنوان منبع معرفت شلختی	امام خواسته‌های مردم در راه تشکیل حکومت اسلامی را دقیقاً مبتنی بر احکام سیاسی اسلام و مبانی پیشرفته آن می دانستند و نمونه بارز و عینی عمل کرد مردم به این احکام را شعارها و تظاهراتی که آنها در شهرها و دهات ایران در قبل از پیروزی انقلاب به راه می انداختند، دانسته اند

واحد تحلیل	کدگذاری	مقوله بندی	تفسیر
امید است امسال سال حکومت قانون باشد. در اسلام همه کس حتی پیامبر عظیم الشان صلی الله علیه و اله در مقابل قانون، بی امتیاز در یک صف هستند و احکام قرآن و اسلام بر همه جاری است، و شرف و ارزش انسانها در تبعیت از قانون است که همان تقواست و متخلف از قانون مجرم و قابل تعقیب است.	دولت مشروط	قانون محوری و حق مداری	امام خمینی آشکارا ملت را از خطر هرج و مرج اجتماعی و سیاسی که غالباً جامعه‌های انقلابی و رها شده از نظام دیکتاتوری را تهدید می‌کند آگاه می‌سازد. و از طرفی ملت مسلمان ایران را بدین حقیقت آشنا می‌کند که در فرهنگ و سیاست و اخلاق اسلام محمدی، این قانون است که حکم می‌راند نه شخص و دست.
من خدا را شکر می‌کنم که در ظرف این یک سال و نیم یک تحول اساسی در ملت ما پیدا شد جوانهای ما توجه به مسائل روز پیدا کردند اکثر از آن چیزهایی که قبلاً بود متحول شدند تحولهایی معنوی پیدا شد که این تحولها را نمی‌توانیم اسمی روی آن بگذاریم الا اینکه دست خدا بود توی آن. بشر نمی‌تواند تحول روحی در همه طبقات ایجاد کند.	ایمان به خدا	تاکید بر ارزش های دینی	تمام باورها و ارزشها و عقاید مردم از فرهنگ دینی نشأت گرفته است. تعهد به اسلام بود که موجب ایجاد وحدت در اقشار مختلف مردم شد.
به مسئولین و دست اندرکاران در هر رده نیز می‌گوییم که شرعاً بر همه شما واجب است که همت کنید تا آخرین رگ و ریشه های وابستگی این کشور به بیگانگان را در هر زمینه ای قطع نمایید - که ان شاءالله خواهید کرد - و اگر مصلحت نظام و اسلام سکوت است، دردمندانه سکوت کنید که اجر سکوت برای پیشبرد اهداف نظام و اسلام به مراتب بیشتر از دفاع از اتهام وابستگی است	نقش مردم در شکل دهی اقتدار جمعی	اراده عمومی	امام به تعیین سرنوشت مردم به دست خودشان و شکل گیری اقتدار جمعی با ابتنا به رای مردم اعتقاد راسخ داشتند و در این راستا مکانیزم اصلی عملی شدن اقتدار جمعی را مشارکت سیاسی می‌دانند.

واحد تحلیل	کدگذاری	مقوله بندی	تفسیر
الان عید نوروز ما در آستانه ولادت حضرت سیدالشهدا است و دنبال او ولادت حضرت مهدی که آن هم در ۱۵ شعبان واقع شده است بنابراین تقریباً باید مابگوییم که یک حجتی است بر ما این دو ولادت و این واقع شدن این روز شریف و این روز نوروز در یک همچو آستانه ای که این دو بزرگوار که هر دو برای اقامه عدل هستند.	اقامه عدل	عدالت با معیار فقهی و سیاسی	نظام مردم سالاری دینی نظامی است که بر پایه اعتقاد به عدل خدا در خلقت و تشریع قرار دارد از این روست که به اجرای قسط و عدل در نظام اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پا می فشارد و در پی رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه های مادی و معنوی بر می آید و اقتصادی عادلانه را در جهت ایجاد رفاه، رفع فقر و برطرف کردن هر نوع محرومیت در عرصه های تغذیه، مسکن، کار و بهداشت جستجو می کند
بکوشید تا همه قشرهای سلحشور، از ارتش و سپاهی و بسیجی و ژاندارمری و کمیته ای و شهربانی و عشایر، همه در هم ذوب شوید و تو و من را از میان بردارید، و چون ید واحده و قدرت واحده بر دشمن بتازید، و مقصد همه دفاع از اسلام و میهن اسلامی باشد؛ تا پیروزی هر قشر پیروزی قشرهای دیگر باشد؛ و هدف مطرح باشد، نه سپاه و ارتش و سایر سلحشوران	حضور همه اقشار در کنار هم	همبستگی ملی	امام خمینی با به کار بردن لفظ همه اقشار در پی ایجاد وحدت حول محور اسلام است زیرا در سایه وجود وحدت است که مردم قادر به حق تعیین سرنوشت خود می شوند.

تجزیه و تحلیل کیفی محتوای بیانات امام خمینی (ره)

بر اساس تحلیل محتوای صحیفه ۲۲ جلدی امام خمینی (ره) نتایجی به دست آمد که در زیر به آنها اشاره می شود.

مهمترین نکته در سخنرانی ها و مصاحبه های امام بیان خواسته های مردم است. ایشان خواسته های مردم در راه تشکیل حکومت اسلامی را دقیقاً مبتنی بر احکام سیاسی اسلام و مبانی پیشرفته آن می دانستند و نمونه بارز و عینی عمل کرد مردم به این احکام را شعارها و تظاهراتی که آنها در شهرها و دهات ایران در قبل از پیروزی انقلاب به راه می انداختند، دانسته اند.

در همین راستا اشاره های مداوم امام خمینی به تجارب تاریخی، سیره و سنت پیامبر اسلام در تشکیل حکومت و اهتمام فراوان رسول خدا در روزهای پایانی عمر خویش به امر جانشینی جهت استمرار حکومت اسلام و همچنین تلاشهای امام علی (ع) در دوران خلافت پنج ساله و برنامه های صریح و

قاطعی که از همان ابتدای تشکیل خلافت و حکومت خویش در پیش گرفتند، اسناد و حکایتهای واقعی تاریخ پرحادثه صدر اسلام و عملکردهای اسوه‌های ممتاز آن در نوشته‌ها و سخنرانی‌های حضرت امام به عنوان ملاک‌های اصلی در لزوم تشکیل حکومت اسلامی، بخصوص در جهت روشن ساختن، نهادینه کردن و رسوخ دادن این افکار به مردمان آن روز تبلور خاصی یافته است.

اصل اهمیت شرکت مردم در سرنوشت خود و جایگاه مردم در حکومت اسلامی مد نظر امام، حکومتی که خود را در چارچوب مکتب اسلام ملتزم می‌داند، بحث مردم سالاری دینی را پیش می‌آورد زیرا تبیین جایگاه مردم در حکومت بستگی به نوع حکومت دارد و الگویی از نظام سیاسی که از اندیشه‌های ایشان استخراج شده با آنچه شاخص‌های مردم سالاری دینی است مطابقت دارد. در این راستا شاخص‌های مردم سالاری دینی با توجه به تحلیل محتوای متون به جا مانده از امام خمینی ذکر و توضیح داده می‌شود. تاکید امام خمینی درباره نقش و جایگاه مردم با استناد مشروعیت حاکم اسلامی بر حاکم قابل اطلاق است. در این دیدگاه حاکمیت از آن خداوند است زیرا او به نیازها و کمبودهای انسان آشناست و بر این اساس قواعد زندگی سعادتمند انسان را تنظیم کرده است و خواست مردم هم در چارچوب احکام دینی پذیرفته شده و مردم برای اجرای دستورات خداوند در حکومت مشارکت می‌کنند.

شاخص‌های نظام مردم سالاری دینی:

- پذیرش مرجعیت دین به عنوان منبع معرفت شناختی

در مردم سالاری دینی مرجعیت در تنظیم قواعد زندگی سیاسی به رسمیت شناخته می‌شود. حضرت امام معتقد بودند که حکومت اسلامی حکومتی است که به همان شکلی که حکومت‌های دیگر تشکیلات حکومتی و اداری دارند و برای آن قوانین و مقررات وضع کرده‌اند، دین اسلام نیز دارای چنین ویژگی‌های حکومتی است و قانون اساسی اسلام باید با تفسیر و تحلیل صحیح از دل احکام و عقاید آن بیرون کشیده شود.

به عبارت دیگر او اسلام را دینی عبادی-سیاسی می‌داند که در امور سیاسی‌اش عبادت و در امور عبادیش سیاست منضم است از این رو ضرورت حکومت و پیوند دین و سیاست در اسلام پایه عقلانی دارد. (اکوانی، ۱۳۹۵: ۷) آنگاه استدلال می‌کند در متون دینی ما بیش از هرچیزی به سیاست دعوت شده و نیز هر زمان فرصت آن پیدا شود با توجه به مصلحت اسلامی از طریق نائبان ائمه و عالمان دینی این موضوع استمرار یافته است. (اکوانی، شفیع، ۱۳۹۴: ۵۵) در نظام سیاسی مورد نظر امام خواست مردم در راستای استوار سازی و تحقق اصول و مبانی و اهداف دین است. این دیدگاه متفاوت از دیدگاه غربی است. یکی از ویژگی‌های تفکر لیبرالیستی اعتقاد به سکولاریزه کردن حیات اجتماعی و سیاسی است یعنی اینکه دین فقط به حوزه زندگی شخصی افراد مربوط می‌شود. در صورتی که از دیدگاه اسلام

دین است که معیارهای سیاست عادل را مشخص می کند و هرگز دین از سیاست جدا نیست.

-مشارکت سیاسی مردم

از نمادهای مشارکت مردمی در اسلام پدیده های شورا و مشورت است و مهم ترین راه تحقق آن انتخابات است. منشا قدرت و مشروعیت سیاسی در نظام حکومت اسلامی مردمی-وحيانی است. به این معنی مشروعیت حکومت وحيانی است و اقتدار حکومت و کارآمدی آن با پذیرش و انتخاب مردم تحقق پیدا می کند (عباسی سرمدی، رهبر قاضی، ۱۳۸۹: ۴۷) در جامعه دینی حاکمان منتخب، پاسخگوی مردم و خدمت گزار واقعی آنان خواهد بود. مردم در این نظام محوریت ویژه ای برای انتخاب و به قدرت رساندن کارگزاران دارند. علت تأکید مکرر امام برای شرکت مردم در عرصه سیاسی به این دلیل است که اگر مردم از شرکت در امور بازداشته شوند زمینه بروز نظام استبدادی ایجاد می شود از طرفی با توجه به دیدگاه امام نسبت به حقوق فردی و اجتماعی افراد، حق تعیین سرنوشت انسان ها از حقوق اولیه و غیر قابل انکار مردم است که باید محترم شمرده شود. به همین جهت از دیدگاه امام، تمامی آحاد ملت و جامعه، اعم از مردم عادی یا فقها، وظیفه دارند که در مقابل طغیان گری و انحراف های حاکم ایستادگی و قیام نمایند و سرنوشت کشور را خودشان تعیین کنند.

اساساً امام به حکومت بر مبنای جمهوری (که همانا از نقش مردم در نظام حکایت می کند) توجه ویژه ای داشتند. بر همین اساس قرآن کریم یکی از ویژگی های بارز جامعه با ایمان را حرکت و عمل بر اساس تبادل و شور و تصمیم گیری مشترک معرفی می کند پیامبر را نیز دعوت می کند که در کارهای اجتماعی از این شیوه پیروی نماید تا به فکر همگان احترام نهاده شود و همه در تصمیم گیری های اجتماعی مشارکت کنند و در مسوولیت پذیری آمادگی بیشتری از خود نشان دهند و مشکلات و دشواری اطاعت از رهبری از میان برداشته شود. (عمید زنجانی، ۱۳۶۹: ۳۶)

-قانون محوری و حق مداری

در نظام اسلامی قانون مظهر حق و عدالت است و مأموریت آن استقرار عدالت اجتماعی و تضمین حقوق مردم است. (اسحاقی، ۲: ۷)

لذا از نظام استبدادی جلوگیری می کند بنابراین تأکید امام بر وجود قانون اساسی احقاق حقوق مردم و ایجاد عدالت اجتماعی است. امام خمینی وجود قانون را در جهت ایجاد حکومت مشروطه و جلوگیری از بوجود آمدن حکومت مطلق می داند لذا حکومت رابطه تکلیف مدار با مردم دارد و نگاه ابزار مآبانه به مردم در جهت دسترسی به قدرت ندارد.

تأکید امام بر وجود قانون اساسی قبل از وقوع انقلاب اسلامی به عنوان یکی از ابزارهای مهم و کارساز وی در مبارزه با رژیم پهلوی تمسک به لزوم عمل به قانون اساسی بوده است، زیرا ایشان معتقد بودند که رژیم پهلوی اساس قانون اساسی مشروطه را هم نقض کرده است و به همین علت با استناد به قانون

اساسی مشروطه، سلطنت پهلوی را غیر قانونی می دانستند. اصرار ایشان بر وجود قانون بعد از وقوع انقلاب اسلامی جهت جلوگیری از هرج و مرج و رعایت حقوق متقابل مردم بوده است. امام خمینی آشکارا ملت را از خطر هرج و مرج اجتماعی و سیاسی که غالباً جامعه‌های انقلابی و رها شده از نظام دیکتاتوری را تهدید می کند آگاه می سازد و از طرفی ملت مسلمان ایران را بدین حقیقت آشنا می کند که در فرهنگ و سیاست و اخلاق اسلام محمدی، این قانون است که حکم می راند نه شخص و دسته. به طور کلی قانون مداری و احترام به قانون لازمه پویایی و انسجام ملی می باشد بر همین اساس نظام مردم سالار دینی که یک چارچوب برای اداره جامعه و حکمرانی بر پایه قواعد دینی است نمی تواند به گونه‌ای تعبیر شده و تعریف یابد که به هنگام عمل ناقض اصول و قوانین موضوعه و در واقع ساختار اصلی نظام باشد. (خواجeh سروی: ۱۳۹۵، ۱۷)

-ظلم ستیزی و مخالفت با استبداد و استعمار

طراحان حکومت یک شبهه‌ای که با انبوهی از القاعات ایدئولوژیک مدرن، شبه مدرن و سنتی پا به عرصه قدرت نهاده بودند به این نتیجه رسیدند که برای کسب قدرت و حفظ بقای خود چاره‌ای جز تن دادن به چارچوبه سنتی حکومت‌های پیشین یعنی نظام سلطنتی ندارند و حتی المقدور قاندرن آرمان‌های ایدئولوژیک خود را با ترکیبی تعدیل یافته‌تر در همین چارچوب سنتی دنبال کنند. در همین چارچوب مبانی ایدئولوژیک پهلوی در این محورها بود: غرب گرایی، ایرانی گرایی با تاکید بر لزوم تجدید عظمت ایران باستان، شاه محوری و تلاش برای خلق وجه کاریزماتیک برای شاه پهلوی. (نواختی مقدم، ۱۳۸۸: ۱۹)

مخالفت امام خمینی در دو بعد استبداد داخلی و استعمار خارجی بود در بعد داخلی امام حاکمیت خدا را در مقابل حاکمیت طاغوت می داند و مبنای اطاعت مردم از حکومت را ریشه داشتن آن در شریعت می داند لذا حاکمیت اصلی با قانون خدا و ارزش‌های الهی است و رای مردم در طول قانون خدا و ارزش‌های الهی است.

زیرا بر اساس نص صریح قرآن آیه ۶۰ سوره نسا بیان می کند: «الم تر إلی الذین یزعمون أنهم آمنوا بما أنزل إلیک و ما أنزل من قبلک یریدون أن یتحاکموا إلی الطاغوت و قد أمرنا أن یکفروا به و یرید الشیطان أن یضلّهم ضلالاً بعیداً». آیا ندیدی کسانی را که گمان می کنند به آنچه از کتابهای آسمانی که بر تو و بر پیشینیان نازل شده، ایمان آورده‌اند، ولی می‌خواهند برای داوری نزد طاغوت و حکام باطل برونند؟ با اینکه به آنها دستور داده شده که به طاغوت کافر شوند، اما شیطان می‌خواهد آنان را گمراه کند، و به بیراهه‌های دور دستی بيفکند.

در واقع طبق منطق قران کسانی مسلمان محسوب می‌شوند که نسبت به طاغوت کافر شده و به حاکمیت الهی سر بسپارند. در این راستا امام خمینی هدف از مبارزه خود ربا رژیم حاکم را دست یازیدن

به ریسمان محکم الهی بیان می‌کنند و آن را هدفی مقدس می‌دانند نه صرفاً برای رسیدن به قدرت. در همین راستا فعالیت آغاز می‌شود. وی افشای ماهیت دشمن و تبیین نقشه‌ها و توطئه‌های او را یکی از بهترین شیوه‌ها برای تقویت جبهه مسلمین و تضعیف دشمن می‌داند. بر همین مبنا یکی از راهبردهای اساسی خود را در جهت دستیابی به اهداف آشکار ساختن دشمن بشریت و روزنه‌های نفوذ آن می‌داند. مخالفت‌های امام با رژیم پهلوی برای نابودی از باب کسب قدرت نبود بلکه مخالفت با حقوق ضایع شده مردم و سلب آزادی‌های فردی و اجتماعی آنان بود ملاک را خواست مردم می‌دانست که این خواست‌ها در چارچوب قوانین الهی و در راستای تحقق اصول و مبانی و اهداف دین می‌باشد. مخالفت امام با رژیم پهلوی در عرصه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی خود را نشان می‌دهد. در عرصه اجتماعی نبود قانون را موجب تضییع حقوق مردم می‌دانستند و تأکید می‌کردند رعایت حقوق فردی، اجتماعی و سیاسی شهروندان در چارچوب قانون و اجرای صحیح آن می‌تواند موجب همگرایی ملی شود قانون اساسی تضمین‌گر نفی هرگونه استبداد اجتماعی و فکری است و برای سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان تلاش می‌کند. (مرادی، ۱۳۹۵: ۴۶)

در عرصه اقتصادی سیاست‌های اقتصادی ایران دنباله‌روی سیاست اقتصادی سرمایه‌داری بوده و همانند آنان برای مبارزه با مارکسیسم اصلاحاتی برای طبقه کارگر و طبقات پایین جامعه انجام داد که امام خمینی ماهیت اصلاحات را افزوده شدن فاصله طبقاتی فقیر و غنی می‌دانستند. همچنین با تأکید بر فقر و فلاکت مردم و شکست برنامه‌های اقتصادی شاه و وابستگی اقتصادی رژیم، پیوسته رژیم شاه را با بحران مشروعیت بقا رو به رو می‌ساختند. مخالفت امام با وابستگی اقتصادی به این دلیل بود که وابستگی اقتصادی ریشه بسیاری از وابستگی‌های دیگر خواهد بود این زمینه وابستگی می‌تواند موجب تحمیل نظرات مستکبران شود. تأکید داشتند بر تولیدات محلی زیرا تکیه بر استعدادهای داخلی برای خودکفایی در اقتصاد اعم از بخش کشاورزی و صنعت، از ضروریات استقلال اقتصادی (که لازمه استقلال سیاسی و فرهنگی است) است.

به لحاظ سیاسی از منظر امام خمینی (ره)، نظام سلطنتی پهلوی به علت این که از ابتدای تاسیس، با تکیه بر کودتایی نظامی به قدرت رسیده و قدرت خود را با توسل به قوه زور و اجبار تثبیت کرده بود و در این راه از پشتیبانی و حمایت دولت بیگانه انگلیس برخوردار بود و مردم هیچ نقشی در پیروزی کودتا نداشتند، نه تنها مشروعیت دینی و مردمی نداشت، بلکه فاقد مشروعیت سیاسی نیز بود. به همین جهت نهادهای جامعه مدنی به ارکان نظامی رژیم پهلوی تبدیل شده بود و جایی برای احقاق حقوق مردم باقی نمانده بود زیرا مجلس شورای ملی به عنوان یکی از ارکان نظامی بود که تلاش می‌کرد به نظریات رژیم جنبه قانونی و مشروع بدهد. به همین دلیل امام خمینی (ره) در راستای بحران‌سازی مشروعیت برای رژیم پیوسته

مشروعیت مجلس را مورد حمله قرار می‌دادند.

مبارزه با نفس در اندیشه امام از این جهت حائز اهمیت است که امام خمینی مبارزه در مکتب اسلام را، راه هدایت و رسیدن به کمال معنویت و برتری و رستگاری می‌داند زیرا این مبارزه برای دفع ظلم و ستم و برای خدا است و مهم‌ترین اهداف مبارزه از منظر وی احیای هویت اسلامی با نابود کردن استعمار است. این موضوع به ویژه در برابر شرق و غرب مطرح می‌شود. به طور کلی سخنرانی‌های و تلاش‌های ایشان در جهت تنویر افکار مردم جامعه، سرانجام منجر به غیرقانونی اعلام شدن حکومت شاه و دعوت حضرت از مردم ایران برای جایگزین کردن حکومت اسلامی به جای استبداد شاهنشاهی بود. بدین طریق حکومت مورد نظر امام یعنی جمهوری اسلامی مطرح می‌شود. جمهوری ظاهر نظامی است که محتوای آن را دین اسلام تشکیل می‌دهد.

امام خمینی با پذیرش مفهوم جمهوری در نظام حکومت دینی و درک عمیق نسبت به لوازم چنین حکومتی آزادی احزاب و گروه‌ها و اجتماعات را تأیید می‌کند: هرگونه اجتماعات و احزاب از طرف مردم در صورتی که مصلحت مردم را به خطر نیندازد آزادند. (حاجی احمدی، ۱۳۸۵: ۱۳) معنای دیگر برای مردی بودن حکومت این است که حکومت اسلامی در خدمت مردم است آنچه برای حاکم مطرح است منافع عامه مردم است نه اشخاص معین یا قشر خاص.

- همبستگی ملی

منظور از همبستگی ملی هماهنگی میان اجزا تشکیل دهنده کل نظام اجتماعی است. همبستگی وجوه گوناگونی دارد و در سطوح اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مطرح می‌شود. (بشیری، ۱۳۷۶: ۷۸۹)

امام خمینی از همان روزهای اول مبارزه مردم را به وحدت و همبستگی ملی فرا می‌خواند. در اندیشه ایشان عقلانی آن است که هرچه بر جمع مخالفان افزوده شود و شدت دشمنی بیشتر شود، توجه به وحدت و یکپارچگی اهمیت بیشتری می‌یابد. زیرا دشمن در این مواقع از سلاح تفرقه و اختلاف استفاده می‌کند و تنها سلاحی که می‌تواند آن را خنثی کند سلاح وحدت و یکپارچگی است. حفظ همبستگی مورد نظر امام با رعایت حقوق اقلیت‌های مذهبی باید صورت گیرد. به همین جهت از جنبه ملی ایرانی بودن سخن گفته تا تناقضات میان اقلیت‌ها را از بین ببرد و بر جنبه دیانت تأکید می‌کند و در انسجام و همبستگی اجتماعی نقش اصلی را به شریعت می‌دهد.

لذا در تأکید امام بر همبستگی ملی عنصر عقلانیت و شریعت در هم ادغام می‌شوند. زیرا بر مبنای الزامات سیاسی و عقلانی برای رهایی از سلطه بیگانگان و رسیدن به استقلال و آزادی همبستگی و اتحاد یک راهبرد همه جانبه و تعیین کننده مورد توجه قرار می‌گیرد و رشد و توسعه ملی به عنوان فرآیند عقلانی و فایده ای عمومی از طریق عنصر وحدت و انسجام ملی که مبتنی بر باورهای معنوی و اصول

برخاسته از جهان بینی فطری است، تحقق می یابد. تاکید بر شریعت از این لحاظ گفته می شود که محور وحدت از دیدگاه امام اصول نسبتاً مهم یا کلی دین و دولت اسلامی می باشد. به همین دلیل از دیدگاه امام خمینی هرگونه اتحاد و تجمع می مطلوب نیست بلکه آن تجمع و جماعتی مطلوب است که حول محور اعتصام به حبل الله شکل گیرد.

در بحث از افتراق کلمه و جدایی و تفرقه جهت آن را از گناهان کبیره می داند و مسلمانان را مأمور به ایجاد دوستی، برادری، مواصلت و نیکویی به یکدیگر و مودت و اخوت در راه ایجاد اتحاد کلمه و وحدت کلمه می داند زیرا امام با توجه به دیدگاه تاریخی بحث وحدت را بیان می کند و در این راستا معتقدند در صدر اسلام نیز که جامعه ای فاضله تشکیل گردید و پس از آن نیز مسلمانان توانستند قسمت عظیم دنیای آن روز را تحت سلطه خود درآورند، بر اثر همین وحدت کلمه و عقیده بوده است و به تعبیر حضرت امام براساس وجود شمه ای از وحدت و اتحاد مبتنی بر اخوت و برادری بین مسلمانان بوده است. چنین وحدتی حول یک جهان بینی مشترک شکل می گیرد و ایجاد می کند که مسلمانان به عنوان صاحبان این مکتب و جهان بینی، وحدت لازم را در راستای آن داشته باشند.

امام خمینی با به کار بردن لفظ همه اقشار در پی ایجاد وحدت حول محور اسلام است زیرا در سایه وجود وحدت است که مردم قادر به حق تعیین سرنوشت خود می شوند. حق تعیین سرنوشت خود در سایه وجود قانون اساسی میسر می شود که امام آن را یکی از لوازم همبستگی و همگرایی ملی می داند. این دیدگاه امام با پیروزی انقلاب اسلامی و وجود قانون اساسی اهمیت دوچندان پیدا کرد.

با عنایت به اینکه مهم ترین منبع قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قرآن است، رعایت حقوق فردی و اجتماعی و سیاسی شهروندان در چارچوب این قانون و اجرای صحیح و دقیق آن می تواند موجب همگرایی ملی شود. (مرادی، ۱۳۹۵: ۴۶) نگاه امام به وحدت و همبستگی ملی مغایرتی با احکام اسلام ندارد و در جهت ایجاد ناسیونالیسم ملی نیست زیرا ایشان دامنه و دایره شمول وحدت را بسیار وسیع و فراگیر می دانست به طوری که همه انسان ها، مستضعفان عالم، مسلمانان جهان، همه مذاهب اسلامی و حتی دیگر ادیان الهی را دربر می گرفت. لذا امام در پی وحدت امت اسلامی است.

- کرامت انسان

امام خمینی با تکیه بر مبانی انسان شناسی اسلام دیدگاه خود را در مورد اجتماع و سیاست، صورت بندی کرده است.

در آموزه های اسلامی مهم ترین گوهری که خدا در خلقت انسان به او عطا فرموده کرامت انسانی است. از نظر امام چون انسان دارای کرامت است خلیفه خدا بر زمین است. (اکوانی، ۱۳۹۵: ۱۹) اما انسان زمانی می تواند خلیفه خدا روی زمین باشد که استعدادهایش را در مسیر عدالت قرار دهد در این راستا

از دیدگاه ایشان، کمال انسان جز از طریق سلوک و بندگی و تهذیب و تربیت یافتگی، میسر نیست و تنها از طریق اتصال به مبدأ وحی است که می‌تواند مسیر کمال و بندگی را طی کند زیرا برای ساختن مدینه فاضله، خودسازی شرط اول است.

تاکید وی بر وجود کرامت انسان از بعد انسان شناسی است که ایشان در مکتب اسلام کسب کرده و نشان دهنده این است که انسان موجودی مختار است و این اختیار از گوهر توحیدی بر می‌خیزد که بدون آن انسان از مرتبه والای خود به مرتبه حیوانی تنزل پیدا می‌کند لذا خداوند متعال به انسان خلافت روی زمین را برای آباد سازی عطا کرده که لازمه این آباد سازی ایجاد حکومت عادلانه است زیرا در صورت وجود حکومت ظالمانه انسانی حقی در تعیین سرنوشت خود نخواهد داشت و به جای تسلیم در برابر امر خدا مجبور به تسلیم در برابر بنده خدا خواهد شد و عاقبت آن به جای سعادت به شقاوت خواهد رسید. چنین نگاهی به کرامت انسان به آزادی در اندیشه امام می‌رسد. در واقع انسان به گونه‌ای آفریده شده که در تمام حوزه‌های زندگی با اراده، اختیار و آزادی خود می‌تواند رشد و کمال پیدا کند این مدعا از سرگذشت افراد برمی‌آید که مطلوب شان آزادی و حاکمیت اراده و عقل شخصی یا خرد جمعی بوده است که امام این حریت را، نوعی فطرت یا سرشت الهی انسان می‌شمارد.

تجلیل‌های امام از مردم و خانواده‌های شهدا به خاطر فداکاری‌ها و جان فشانی در راه وطن اسلامی در واقع لحن تربیتی دارد و غرض آن توجه به مراتب کمال و اصلاح انسان است. لذا امام در این مبحث تفسیری از دین ارائه داد که اخلاقی و مبتنی بر کرامت انسانی بود. تفسیری که در آن انسان می‌توانست از آزادی، عدالت اجتماعی و قدرت انتخاب نیز برخوردار باشد.

-اراده عمومی

نقش مردم در شکل دهی اقتدار جمعی از جمله شاخص‌های نظام مردم سالاری دینی است. مفهوم مردم زمانی به کار برده می‌شود که اراده تک تک افراد مد نظر باشد چنین مفهومی با اراده عمومی و اقتدار جمعی همخوانی دارد. ((اکوانی، ۱۳۹۵: ۱۹)) منشا قدرت و مشروعیت سیاسی در نظام حکومت اسلامی مردمی-وحيانی است. به این معنی مشروعیت حکومت وحيانی است و اقتدار حکومت و کارآمدی آن با پذیرش و انتخاب مردم تحقق پیدا می‌کند. به همین دلیل امام به تعیین سرنوشت مردم به دست خودشان و شکل‌گیری اقتدار جمعی با ابتنا به رای مردم اعتقاد راسخ داشتند و در این راستا مکانیزم اصلی عملی شدن اقتدار جمعی را مشارکت سیاسی می‌داند.

از منظر امام همه مردم صلاحیت دخالت در امور جامعه و تصمیم‌گیری‌ها را دارند این دخالت ممکن است جنبه‌های مختلفی داشته باشد و از شرکت در انتخابات تا نظارت بر کار حاکمان را در بر می‌گیرد عبارت «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ» در پایان سخنرانی‌های امام خمینی بیان این مطلب است که در نگرش سیاسی اسلام همه مردم مسئولیت نظارت بر کار حاکمان را به عهده دارند. و یکی از

ابزارهای نظارت در اسلام امر به معروف و نهی از منکر است و امام با صراحت از مردم می‌خواهند در امر حاکمان نظارت کنند. بنابراین کنش سیاسی خردمندانه با تدبیر امور جمعی و اداره سرنوشت عمومی انجام می‌شود که نتیجه آن به نفع همگان است.

نقطه ثقل گفتمان مردم سالاری دینی امام خمینی مردمی بودن حکومت است. مردمی بودن حکومت یعنی نقش دادن به مردم در اداره حکومت و تشکیل حکومت و تعیین حاکم. اگر یک حکومت ادعا کند که مردمی است باید به معنای اول هم مردمی باشد یعنی مردم در این حکومت دارای نقش باشند و هم در تعیین حاکم. در حکومت اسلام مردم در تعیین شخص حاکم دارای نقش و تاثیرند. مردم سالاری دینی یعنی اعتنا کردن به خواست های مردم، یعنی درک کردن دردها و حرفهای مردم، یعنی میدان دادن به مردم. (اسحاقی، ۶۹: ۴)

از آنجایی که بینش امام به حکومت و مردم برگرفته از مکتب اسلام بوده لذا وجود بیعت هم در اسلام مفهوم مردم سالاری را تقویت می‌کند. بیعت تاکید است از جانب پیامبر (ص) و وصی اش بر شخصیت امت و دلیل دیگری بر خلافت عمومی ملت است تا از طریق آن حدود و مشخصات راه امت تعیین گردد و افراد خود را در تشکیلات اجتماعی سهیم بدانند و مسوول پاسداری از آن باشند (عباسی سرمدی، ۱۳۸۹: ۴۷) در واقع بیعت شاخص مقبولیت ریاست شخص بر جامعه است همانطور که پیامبر در غدیر خم پس از نصب الهی از مردم برای علی (ع) بیعت گرفت. در چنین نظام اسلامی یعنی مردم سالاری دینی مردم انتخاب می‌کنند، تصمیم می‌گیرند و سرنوشت اداره کشور را به وسیله منتخبان خودشان در اختیار دارند اما این خواست و اراده مردم در سایه هدایت الهی است و هرگز به بیرون جاده صلاح و فلاح راه نمی‌برد و از صراط مستقیم خارج نمی‌شود. (مقام معظم رهبری، ۱۳/۵/۱۳۸۰) بنابر این از منظر امام رضایت، بیعت و رای مردمان در عینیت بخشیدن و تحقق کارآمدی نظام اسلامی دخیل است و قرار دادن خداوند به عنوان مبنای مشروعیت به معنای فقدان نقش مردم و عدم توجه به حقوق آنها نیست.

-مدیریت همگانی در فعالیت اقتصادی

از جمله ویژگی نظام دموکراتیک دینی دسترسی برابر به فرصتهاست. در اندیشه سیاسی اسلام هم عدالت نیرویی است که پابندی حاکم به توزیع برابر فرصتها را تضمین می‌کند.

مردم سالاری اقتصادی دینی به جریانی گفته می‌شود که همه مردم بر اساس آموزه های اسلامی متولی امور اقتصادی باشند. یعنی بستر اقتصادی به گونه ای باشد که همه فعالان اقتصادی بتوانند مالک منابع و محصول تولیدی خود بوده و در مدیریت فرایند اقتصادی نقش جدی داشته باشند و نیز بهره مند از تمام حقوق اقتصادی خود باشند. (یوسفی، ۱۳۹۳: ۵۳)

لازمه مدیریت همگانی در فعالیت اقتصادی از منظر امام ایجاد شرایط تولید و حمایت از تولیدات داخلی است زیرا پشتیبانی از صنایع داخلی را مهمترین راه در جهت دستیابی به استقلال اقتصادی کشور می‌داند. ایشان بیان می‌کند حمایت از خودکفایی و رفع وابستگی اقتصادی به عنوان محافظی برای نظام سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی اسلامی است که باید خودکفا و قدرتمند باشد تا بتواند در دنیای امروزین به حیات خود ادامه دهد.

اهمیت خودکفایی اقتصادی برای امام تا حدی بود که اکثر اعتراضات ایشان به رژیم پهلوی به دلیل وابستگی اقتصادی بود که رژیم با فروش نفت و منابع زیرزمینی ایجاد کرده بود. ایشان عدم وابستگی را مد نظر داشته و تنها تجارتی را مورد قبول می‌دانند که منجر به وابستگی اقتصادی نشود. به طور کلی به اعتقاد ایشان حوزه‌هایی از اقتصاد را که بخش خصوصی می‌تواند در آن فعال باشد به آن سپرد و در این زمینه دولت فقط نقش نظارتی داشته باشد.

- حق مخالفت

مهم‌ترین امتیاز نظام مردم‌سالار پذیرش حق مخالفت است. این حق طیف وسیعی از مخالفت با اشخاص، تصمیمات و در مرحله بالاتر نظام سیاسی را شامل می‌شود. در الگوی مردم سالار دینی نیز این حق با تکیه بر عقل و آموزه‌های دینی توجیه می‌شود. در اندیشه شیعه این مساله پررنگ است و تا آنجا که شرایط اجازه می‌دهد می‌بایست برای تغییر حکومت نامشروع تلاش کرد. (امینی، ۱۳۸۸: ۱۹۶)

از نظر امام ملاک خروج مردم علیه حاکم حرکت خلاف موازین اسلامی و وجود نظام استبدادی است زیرا حکومت حق طبیعی و خدادادی انسان است لذا مردم در اداره آن سهیم هستند در این راستا حکومتی که بر شالوده انتخاب مردم باشد مشروع و مقبول اسلام است و از آنجایی که اجرای احکام الهی نیازمند حکومت است و حکومت در سرنوشت مردم تاثیر بسزایی دارد و حق تک تک مردم است که خودشان برای خودشان تصمیم بگیرند لذا حکومت باید برآمده از اکثریت باشد در غیر این صورت مردم حق مخالفت با حاکم را دارند تا اینکه یک حکومت مردمی روی کار بیاورند.

از منظر امام قدرت مهار نشده منشأ فساد و تباهی و زورمداری است لذا مساله نظارت بر قدرت سیاسی و انتقاد سازنده با آن در هر ساختار سیاسی باید صورت گیرد. امام در جایی که دیگر انتقاد کار ساز نشد امام به پشتوانه مردم رویکرد انقلابی اتخاذ کردند. امام به این نتیجه دست یافته بود که مبارزه اصلاحی می‌باید به مبارزه انقلابی تبدیل شود و در مبارزه انقلابی، توده‌ها نقش اصلی مبارزه را برعهده خواهند گرفت. بنابراین توجه امام به مردم، در واقع فراخوان عمومی ملت‌ها به سمت "انقلاب" است. یکی از رویکردهای مهم امام خمینی در بحث انتقاد به وجود دولت تک حزبی بحث تنوع و تکثر سیاسی و مسئله وجود اختلاف سلیقه‌هاست. ایشان، اعتقاد به تعداد کثیری از احزاب و گروه‌های سیاسی

دارد. البته آزادی احزاب نیز در چارچوب قانون مفهوم پیدا می‌کند و برای خود حد و مرزی دارد. انتقاد امام از حزب ساخته دولت هم به این دلیل است که با وجود یک حزب دولتی دیگر جایی برای آزادی بیان و عقیده مردم باقی نمی‌ماند.

-تاکید بر ارزش‌های دینی

رکن مهم در نظریه مردم سالاری دینی، دین است. دینی بودن مردم سالاری دینی نه از باب اجبار بلکه از متن جامعه است زیرا جامعه‌ای که نود و هفت درصد مسلمان دارد قطعاً نظر این اکثریت در شکل حکومت تاثیر گذار است و مردم سالاری آن به جهت نقش مردم در تعیین شکل حکومت و به لحاظ شرکت در تصمیم‌گیری‌های مهم می‌باشد.

امام خمینی مردم سالاری دینی را مد نظر داشتند چون قبل از هرچیزی حفظ بنیان‌های اعتقادی مردم را مد نظر داشتند و اصلاً هدف ایشان از ضدیت با استبداد حاکم در این جهت بود. امام خمینی در مورد لزوم تشکیل دولتی بر مبنای دین اسلام و میفرمایند: ما می‌خواهیم اسلام را لااقل حکومتش را به نحوی که شباهت داشته باشد به اسلام اجرا کنیم تا شما معنی دموکراسی را آنطور که هست بفهمید و بشر بدانند که دموکراسی که در اسلام هست با این دموکراسی معروف اصطلاحی که دولتها و روسای جمهور و سلاطین ادعا می‌کنند بسیار فرق دارد. (صحیفه امام ج ۴ ص ۴۱۸) لذا در نظام مردم سالاری دینی محدوده نقش مردم را دین و موازین دینی مشخص می‌کند و مردم در چارچوب آموزه‌های دینی ایفای نقش می‌کنند.

علت مبارزه امام با رژیم پهلوی هم در نبود ارزشهای دینی بود. ایشان معتقد بود که مبناء ارزشها در زمان طاغوت، مادی بود در حالی که مبناء ارزشها در انقلاب اسلامی، مبناء الهی است و آنچه در گذشته حاکم بود، همان ارزش‌های مادی می‌باشد و این به صورتهای مختلف ظهور و نمود کرد. اما از نظر حضرت، این ارزشهای الهی بود که از اهمیت خاصی برخوردار است و ارزشها نباید بر اساس امور مادی استوار باشند. زیرا اگر ارزش‌ها بر امور مادی بنا شوند، باعث می‌شود که مبدا ارزش از خود ارزش بالاتر باشد. روش مورد نظر امام در این راه مذهبی کردن مبارزه و تاکید بر ارزشهای دینی بود زیرا مذهبی شدن مبارزه باعث می‌شد سختی‌ها و مرارت‌های آن همراه با اجر اخروی و مرگ در راه آن شهادت محسوب شود.

به طور کلی دیدگاه امام خمینی (ره) منبعث از مکتب اسلام است و بر اساس حاکمیت قانون اسلام است که پیروزی حاصل و جامعه آرمانی وی تشکیل می‌شود برای برپایی چنین جامعه‌ای هر کس باید مسئولیت خویش را به نحو احسن انجام دهد و آن را بالاترین عبادت تلقی کند.

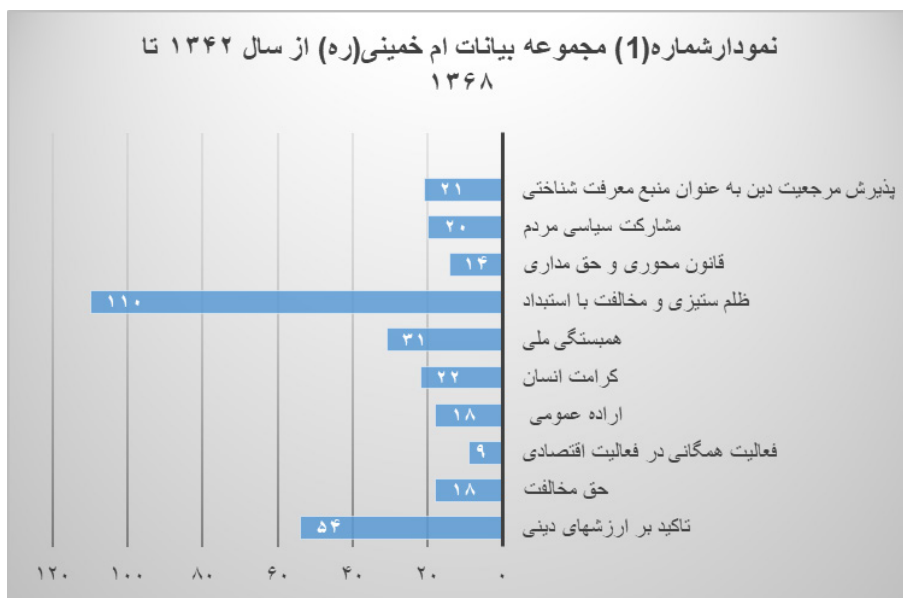
علمای بزرگ دین در تایید مردم سالاری دینی امام خمینی نظراتی ارائه داده اند که در این زیر به قسمت

هایی از آنها اشاره می‌شود. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند: در چنین نظام اسلامی یعنی مردم سالاری دینی مردم انتخاب می‌کنند، تصمیم می‌گیرند و سرنوشت اداره کشور را به وسیله منتخبان خودشان در اختیار دارند اما این خواست و اراده مردم در سایه هدایت الهی است و هرگز به بیرون جاده صلاح و فلاح راه نمی‌برد و از صراط مستقیم خارج نمی‌شود. (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۰/۵/۱۳) از دیدگاه جوادی آملی مردم سالاری دینی الگویی از نظام سیاسی است که برپایه اصل خضوع مردم در ساحت قدس الهی در چارچوب هدایت دین و نهاد دینی، تدبیر عقلانی مردم و حاکمیت آنها به رسمیت شناخته می‌شود. ایشان مردم سالاری دینی را مفهومی بسیط می‌دانند مقصود از بسیط بودن عدم ترکیب مردم سالاری با دین و تاکید بر این نکته اساسی است که دین خود ارایه دهنده الگوی خاص از مردم سالاری است از این رو مردم سالاری دینی حاصل مردم سالاری به عنوان روش به همراه مبانی و آموزه های دینی نمی‌باشد وی بر اساس چنین نگرشی تفاوتی میان مردم سالاری دینی و دموکراسی قایل است. (میر احمدی، ۱۳۹۰: ۵۶۹)

ایت الله مصباح یزدی معتقد است: دین اسلام جامع و شامل است و برای تمامی جنبه های زندگی انسان برنامه دارد. هم محتوای قانون هم مجری قانون و هم ناظر بر قانون را خداوند تعیین کرده است و ما حق تغییر در آن را نداریم. دموکراسی مورد تایید اسلام نیست و آنچه مورد قبول قرار می‌گیرد دموکراسی در روش است البته تا جایی که با اصول و ضروریات مسلم تعارضی در پیش نباشد. (خلیلی، ۱۳۹۰: ۱۶۸)

در مجموع می‌توان گفت مردم سالاری دینی یک روش و شیوه حکومتی در واقع روش حکومت کردن با اسلام است و آرای مردم گرچه جز لازم قوام یافتن نظام سیاسی است ولی مشروعیت آن منوط به تبعیت از معیارهای شریعت است.

تجزیه و تحلیل کمی محتوای بیانات امام خمینی (ره)



از تجزیه و تحلیل کمی نمودار بالا این نتیجه حاصل شد که توجه به مقوله ظلم ستیزی و مخالفت با استبداد بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است به این معنی که با گذر سالها بعد از نهضت همچنان توجه امام خمینی به این مبحث می باشد. با بررسی این شاخص بین سالهای ۱۳۴۲-۱۳۶۸ و تحلیل محتوای کمی مکتوبات ایشان مقوله ظلم ستیزی ۱۱۰ بار در سخنان ایشان خطاب به مردم ایران تکرار و تاکید شده و بیشترین فراوانی را در جدول نشان می دهد. تاکید بر ارزشهای دینی به عنوان یکی از مهمترین شاخص های مردم سالاری دینی بعد از انقلاب اسلامی با فراوانی ۵۴ در مرتبه دوم قرار دارد.

نتیجه گیری:

اصل اهمیت شرکت مردم در سرنوشت خود و جایگاه آنها در حکومت اسلامی مد نظر امام حکومتی که خود را در چارچوب مکتب اسلام ملتزم می داند، بحث مردم سالاری دینی را پیش می آورد. امام خمینی در سالهای آغازین انقلاب اسلامی نظریه مردم سالاری دینی را در ترکیب جمهوری اسلامی آوردند زیرا تبیین جایگاه مردم در حکومت بستگی به نوع حکومت دارد و الگویی از نظام سیاسی که از اندیشه های ایشان استخراج شده با آنچه شاخص های مردم سالاری دینی است مطابقت دارد. شاخص های مردم سالاری دینی از دل تعاریف اندیشمندان از مردم سالاری دینی و با تحلیل محتوای صحیفه ۲۲ جلدی امام صورت گرفته شامل: پذیرش مرجعیت دین به عنوان منبع معرفت شناختی، مشارکت سیاسی مردم، قانون محوری و حق مداری، ظلم ستیزی و مخالفت با استبداد و استعمار، همبستگی ملی، کرامت انسان،

اراده عمومی، مدیریت همگانی در فعالیت اقتصادی، حق مخالفت، تاکید بر ارزش های دینی می باشد. با توجه به نمونه گیری های انجام شده، مکتوبات امام را در قالب چارچوب مفهومی مردم سالاری دینی قرار دادیم از این نظر که دال مرکزی در هر دو چارچوب مفهومی (پوپولیسم و مردم سالاری دینی) مردم هستند. با مشاهده روند سخنرانی های ایشان این نتیجه حاصل شد که امام راه مواجهه با جامعه استبدادی را طراحی نظام سیاسی می دانند که ساختار سیاسی آن جمهوری اسلامی است. ابتدای این حکومت به قوانین الهی را یک اصل مسلم می دانند بعد دوم آن را مردم قلمداد می کنند که در نظام سیاسی مورد نظر امام خواست مردم در راستای استوار سازی و تحقق اصول و مبانی و اهداف دین است. ایشان حکومت اسلامی را مبتنی بر عدل و دموکراسی و متکی بر قوانین اسلامی معرفی می کرد. توجه به تمام اقلیت ها و اقوام در مشارکت جویی امور کشور لزوم صیانت از دال جمهوریت نظام سیاسی به معنای مشارکت دهی مردم و اعمال تاثیر در تمامی حوزه هاست. لذا به کار بردن واژه مردم در زمان نهضت و در زمان انقلاب در راستای یک هدف صورت گرفته است آن هم حق مردم برای تعیین سرنوشت خودشان است. راه حل این مساله را در تشکیل حکومت اسلامی می دانستند به این صورت که گام اول را برجیده شدن نظام استبدادی می دانستند و این مهم را در زمان نهضت با افشای عملکرد نظام پهلوی به خوبی انجام دادند. در نهایت تاکید بر حضور مردم بحث جمهوریت را در زمان انقلاب به وجود آورد اساساً امام به حکومت بر مبنای جمهوری (که همانا از نقش مردم در نظام حکایت می کند) توجه ویژه ای داشتند این امر زمینه رشد و تعالی تک تک افراد جامعه فراهم می کند.

منابع:

- امام خمینی، صحیفه امام مجموعه آثار امام خمینی (بیانات، مصاحبه ها، احکام، اجزات شرعی و نامه ها)، جلد ۱ - ۲۲، موسسه چاپ و نشر آثار امام خمینی (ره)
- امینی، پرویز (۱۳۸۸) مهارت قدرت در مردم سالاری دینی، تهران: مرکز مطالعات و انتشارات آفتاب توسعه.
- بشیریه، حسین. (۱۳۷۶) تحقق جامعه مدنی در انقلاب اسلامی، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی
- زنجانی، عمید (۱۳۶۹) انقلاب اسلامی و ریشه های آن، تهران: نشر کتاب سیاسی
- کوهن، کارل (۱۹۷۳) دموکراسی ترجمه فریبرز مجیدی. تهران: انتشارات خوارزمی.
- اکوانی، حمداله، شکوه منصور خانی، زینب. (۱۳۹۵) مردم سالاری دینی در گفتمان اسلام سیاسی بررسی اندیشه امام خمینی و ابوالاعلی مودودی، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال ششم، ۱۹
- اکوانی، حمداله، شفیعی، محسن. (۱۳۹۴) معرفت دینی و تاثیر آن بر مفهوم آزادی در اندیشه سیاسی امام خمینی فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۱۵
- اسحاقی، سید حسین (۱۳۹۰). اصول و ویژگی های مردم سالاری دینی، فصلنامه مبلغان، شماره ۶۹، ص ۴
- خواجه سروی، غلامرضا. (۱۳۹۵) بررسی مقایسه ای نظام مردم سالار دینی در نگاه ایت الله خامنه ای و ایت الله شمس الدین، فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست، سال ۵ شماره ۱۷
- خلیلی، سحر. (۱۳۹۰) مردم سالاری دینی از دیدگاه ایت الله مصباح، فصلنامه معرفت، سال بیستم، شماره ۱
- مرادی، عباس، ابطحی، سید مصطفی (۱۳۹۵). جایگاه هویت ملی در گفتمان مردم سالاری دینی، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال ۱۳ شماره ۴۶
- نواختی مقدم، امین، انوریان اصل، حامد. (۱۳۸۸) مبانی ایدئولوژیک سیاست های فرهنگی رژیم پهلوی، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال ششم، شماره ۱۹
- عباسی سرمدی، مهدی، رهبر قاضی، محمود رضا (۱۳۸۹) بررسی جامعه شناختی دموکراسی در نظام های مردم سالاری دینی و مردم سالاری های سکولار، فصلنامه مطالعات بسیج، سال ۱۳ شماره ۴۷
- یوسفی، احمد علی. (۱۳۹۳) مدل مردم سالاری اقتصادی دینی، بستر تولید ملی پایدار عدالت محور، سال ۱۴، شماره ۵۳